

پسران نوجوان

آنچه والدین و مربیان می‌توانند انجام دهند
تا پسران نوجوان به مردانی برجسته تبدیل شوند

مایکل گوریان

مهدی قراچه داغی



نقش و نگار

Gurian Michael

گوریان، مایکل
پسران نوجوان: آنچه والدین و مربیان می‌توانند انجام دهند تا پسران نوجوان به
مردانی برجسته تبدیل شوند. / اثر مایکل گوریان: ترجمه مهدی قراچه داغی. --
تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۴
۲۷۲ ص.
ISBN: 964-6235-93-X

A fine young man: what parents, mentors and educators...1998.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. پسران، ۲. پسران -- روانشناسی، ۳. پسران نوجوان، ۴. پسران نوجوان --
روانشناسی، ۵. جنس مذکر، ۶. مردان -- جامعه پذیری، ۷. کودکان -- سرپرستی، ۸.
والدین -- تأثیر بر فرزندان، ۹. مشاوره الف، قراچه داغی، مهدی، ۱۳۲۶، مترجم،
ب. عنوان

۶۴۹/۱۳۲

HQ ۷۷۵/گ ۹

۱۳۸۴

۴۳۲۱۶-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



نقش و نگار

تهران - انقلاب، ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری، شماره ۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۹۶۲۴۹-۶۶۹۵۰۷۲۵

پسران نوجوان

مایکل گوریان

مهدی قراچه داغی

لیتوگرافی: بهروز

حروفچینی: نویسان

چاپ و صحافی: آرین

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقش و نگار است.

۳۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	پسرها در آتش
۱۳	سطح بعدی
۱۴	طبیعت و مراقبت
۱۶	یک فرصت منحصر به فرد
۲۰	جیسون و برادرانش
۲۱	برادران جیسون
۲۳	شرایط پسران نوجوان دز روزگار ما
۲۷	پسران نوجوان در نظام آموزشی
۲۹	سرشت آسیب‌پذیری
۳۳	عزت‌نفس پسران نوجوان
۳۶	تظاهر به شجاعت و بی‌پروایی و فراتر از آن
۳۸	از یز دادن و قیافه گرفتن تا واکنش نسبت به آسیب و ضربه عاطفی
۳۹	فشارهای بعد از آسیب روانی در پسران نوجوان
۴۱	پسران نوجوان در شوک
۴۳	حراست از زندگی احساسی و عاطفی پسران
۴۶	بی‌توجهی احساسی و عاطفی پسران نوجوان ما
۴۸	بیولوژی جنس مذکر و وضع نامساعد احساسی و عاطفی
۴۸	پسرهای نوجوان
۷۰	راه جبران نقطه ضعف عاطفی پسر نوجوان

۷۳	مقاومت در برابر آموزش بیولوژیکی
۷۵	شیوه دوستی مردانه
۷۸	آسیب‌های عاطفی، کمبودهای عاطفی و پسر نوجوان شما
۸۱	قدم بعدی
۸۴	دوران تعیین‌کننده
۸۸	تعریفی دوباره از هدف پسر نوجوان
۹۵	نظام تعلیم و تربیتی جنس مذکر
۱۰۲	برنامه سه‌مرحله‌ای برای آنکه پسران نوجوان را به مرد تبدیل کنیم
۱۰۴	ارزش رنج کشیدن
۱۰۶	مرحله ۱
۱۰۸	نوجوانی می‌تواند از نه سالگی شروع شود
۱۱۰	سال‌های تعیین‌کننده
۱۱۶	از یک پسر بچه نوجوان در دوران پیش از بلوغ
۱۱۱	چه انتظاری داشته باشیم
۱۱۷	از پسرهای نوجوان در جریان بلوغ جنسی
۱۱۷	چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم
۱۳۰	چگونه می‌توانیم پسرهای مرحله ۱ را به مردانی استثنایی تبدیل کنیم
۱۳۱	اوج و حضيض میزان تستوسترون
۱۳۳	تغییرات روانی در پسرهای مرحله ۱
۱۴۰	راه‌های عبور از مرحله ۱
۱۴۴	مرحله ۲
۱۴۷	باورهای غیرواقعی درباره جوان‌ها در مرحله ۲ رشد
۱۴۸	از پسر نوجوان خود که سال‌های اواسط دوران نوجوانی
۱۴۸	را می‌گذرانند چه انتظاری داشته باشیم
۱۴۹	تغییرات شناختی در اواسط دوران نوجوانی
۱۵۱	چگونه در تربیت پسری که در اواسط دوره نوجوانی
۱۵۱	به سر می‌برد، موفق شویم؟
۱۵۵	وقتی پرخاشگری تبدیل به خشونت می‌شود

۱۵۷	نگران کدام رفتار پسرهایمان در سال‌های اواسط نوجوانی باشیم؟
۱۶۱	پسر نوجوانی که به نظر می‌رسد رنج می‌برد و ما دلیل آن را نمی‌دانیم
۱۶۱	رشد روانی هویت، استقلال، اخلاقیات، صمیمیت
۱۷۱	فراهم آوردن زمینه‌های آئین و آداب و مناسک
۱۷۱	برای پسران نوجوان مرحله ۲
۱۸۰	مرحله ۳
۱۸۲	از نوجوان واقع در مرحله ۳ چه انتظاری داشته باشیم
۱۸۵	جنگجو، هنرمند و پادشاه
۱۹۰	معنی دار بودن زمینه آزمون
۱۹۲	حافظان زمینه آزمون
۱۹۴	حکایت بروس
۱۹۵	رشد روانی
۱۹۸	در جست‌وجوی اخلاقیات
۲۰۱	مناسک گذر مرحله ۳
۲۰۶	پسر مدرسه‌ای ما
۲۰۸	ایده‌نولوژی‌های جنسیتی و ارزیابیهای آموزشی ما
۲۱۱	نوآوری برای آموزش دهندگان
۲۱۶	پرورش طبیعی
۲۱۹	برنامه‌های بعد از مدرسه
۲۲۱	خشونت در مدارس
۲۲۴	راه‌حل‌های ساختاری در نظام‌های آموزشی
۲۲۴	کلاس‌های درسی تک جنسیتی
۲۲۵	مدارس پسرانه
۲۲۸	سیاست‌های مربوط به مدارس تک جنسیتی
۲۲۹	مذکر بودن واقعی
۲۳۰	درباره استفاده از رسانه‌ها چه می‌دانیم؟
۲۳۲	رسانه‌ها اعضای خانواده هستند
۲۳۳	چگونه بچه‌ها با شخصیت‌های رسانه‌ای پیوند برقرار می‌کنند

۲۳۵ تحریک رسانه‌ها و مغز
۲۳۷ آنچه خانواده‌های اول می‌توانند بکنند
۲۳۹ برداشت جدید
۲۴۲ پرورش جوهر مردانگی
۲۴۳ الگوهای مردانه بودن
۲۴۴ هسته مردانه بودن
۲۴۵ محبت
۲۴۹ افتخار - احترام
۲۵۳ مسئولیت
۲۵۶ کارکردن
۲۶۱ استحکام شخصیت ده گانه
۲۶۲ استحکام شخصیت اجدادی
۲۶۴ استحکام شخصیت روانی
۲۶۵ استحکام شخصیت اجتماعی
۲۶۶ استحکام شخصیت معنوی
۲۶۶ استحکام شخصیت اخلاقی
۲۶۷ استحکام شخصیت عاطفی
۲۶۷ استحکام شخصیت جنسی
۲۶۷ استحکام شخصیت نکاحی
۲۶۸ استحکام شخصیت جسمانی
۲۶۸ استحکام شخصیت عقلی
۲۷۰ کلام آخر

مقدمه

اوایل دهه ۱۹۷۰ در دورانگوکلورادو، یکی از شهرهای کوچک و زیبای راکیز، به سن پانزده سالگی رسیدم. بهترین دوستم پسری هم سن و سال خودم به اسم استان بود که اسرارم را با او در میان می‌گذاشتم و وقت قابل ملاحظه‌ای را با هم صرف می‌کردیم. کمی آنطرف‌تر از محل سکونت ما زمینی خالی بود که در آن رد لاستیک دوچرخه به وفور دیده می‌شد. ما این اثر چرخ‌های دوچرخه را خیلی خوب می‌شناختیم. زمین، اثر چرخ دوچرخه‌ها، درختها، چاله‌های پر از آشغال در آن سال‌های پر شور نوجوانی، در حکم بهشت بود.

من و استان دو پسر معمولی بودیم. درباره دخترها اطلاع چندانی نداشتیم، هر چند به شکل دیگری وانمود می‌کردیم. در پانزدهمین سالروز تولدم در حالی که روی دوچرخه‌هایمان استراحت می‌کردیم به زمین خالی نگاهی انداختم و گفتم "پانزده ساله هستم. نه بزرگ شده‌ام و نه یک بچه هستم. پس چی هستم؟" استان جوابی برای سؤال من نداشت. کسی را هم سراغ نداشتیم که بتواند به این سؤال من جواب دهد.

در آن زمان پدر و مادرم را به خوبی نمی‌شناختم، آنها هم مرا به خوبی نمی‌شناختند. درباره یکدیگر اطلاعات چندانی نداشتیم و یا بهتر بگویم اطلاعات درستی نداشتیم. با هم درباره مسائل عمیق زندگیمان بحث نمی‌کردیم. بدنم مرتب تغییر شکل می‌داد. دخترها بر من سلطه جویی می‌کردند و به نظر می‌رسید که باهوش‌تر و محکم‌تر از من هستند. انگار چیزی از من می‌خواستند. من و همه پسرهای دیگر سعی می‌کردیم خواسته آنها را برآورده

سازیم. هر چند به درستی نمی‌دانستیم که از ما چه می‌خواهند. چند نفری که از من بزرگ‌تر بودند با من حرف می‌زدند. پدر و مادرم اغلب با پدر بزرگ و مادر بزرگم که در سمت دیگر کشور زندگی می‌کردند، در نزاع و اختلاف به سر می‌بردند. در آن زمان که حرف بزرگ‌ترها خریداری نداشت و بوی کهنگی می‌داد. بزرگ‌ترها و از جمله پدر و مادرم، به صورت ناخودآگاه، حامل پیام‌هایی برای من بودند. از پیام آنها این‌گونه برداشت می‌کردم پسرها وقتی به سن نوجوانی می‌رسند، می‌خواهند به حال خودشان گذاشته شوند. در این زمان کار پدر و مادرها تقریباً تمام شده است.

دوستان هم سال من آموزگاران زندگیم شدند. با آنها به سرعت رانندگی می‌کردم، درد را احساس می‌کردم و به چیزهایی مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی که به من احساس آرامش می‌داد پناه می‌بردم. این‌گونه احساس مهم بودن می‌کردم. تظاهر به شجاعت کرده و به استقبال خطر می‌رفتم. دنبال چیزی می‌گشتم که مرد بودنم را ثابت کنم. پیامدهایش برایم مهم نبود.

فکر می‌کنم من نوجوان به خصوصی بودم. در حالی که ظاهرآ باید در پانزده سالگی وانمود می‌کردم به پدر و مادر و بزرگ‌ترهایم احتیاجی ندارم، مایوسانه به آنها احتیاج داشتم. وقتی علیه، بزرگ‌ترها و جامعه، علم شورش برمی‌داشتم نمی‌خواستم آنها مرا از قلمرو خود برانند.

در حالی که نمی‌دانستم چگونه درباره احساساتم به خوبی حرف بزنم، زندگی را در تمام وجودم احساس می‌کردم. دوست داشتم خودکفا به نظر برسم. در تمام لحظات بیداری نگران آن بودم که چگونه به اندازه کافی خوب باشم.

در حالی که پیوسته خواهان مهر و عشق بودم، می‌خواستم به همه دنیا ثابت کنم که بدون آن هم امورم می‌گذرد. در حالی که به راحتی خشمگین می‌شدم و زمانی که از پدر و مادرم می‌ترسیدم نمی‌گفتم: "از شما متنفرم"، بلکه در واقع می‌گفتم "آن قدر می‌ترسم که نمی‌توانم احساسم را بازگو کنم".

در حالی که وانمود می‌کردم یک مرد هستم در واقع هنوز یک کودک بودم. تا مدتی بعد که به دوران بلوغ و بزرگی رسیدم متوجه نشدم که در جامعه مدرن ما مشکلاتی متوجه پسرهای نوجوان است. وقتی به دوران میانسالی رسیدم دانستم که در جامعه ما پسرهای نوجوان با مشکلات اساسی روبه‌رو هستند و زمانی که فرهنگ‌های دیگر را مطالعه کردم درباره این مشکل اطلاعات بیشتری به دست آوردم و وقتی به آمریکا بازگشتم تصمیم گرفتم درباره پسرها تحقیق بیشتری بکنم و این زمانی بود که به عنوان یک روان درمانگر، یک آموزش‌دهنده و یک مشاور شروع به کار کردم.

اجازه بدهید نظر خودم را این‌گونه مطرح کنم: ما درباره رشد پسرهای نوجوان اطلاعات چندانی نداریم، بنابراین نمی‌توانیم مهر و عشقی را که آنها بدان احتیاج دارند تا به مردانی مدبّر، مهرورز و مسئول تبدیل شوند بدهیم و این مسأله در دهه‌های گذشته نه تنها بهتر نشده، بلکه از برخی جهات بدتر هم شده است.

پسرها در آتش

در زمینه شکل‌گیری شخصیت، رشد جسمانی، فعالیت مغزی و بیوشیمیایی، هوش و فراست اجتماعی، سال‌های نوجوانی یک پسر، به واقع سال‌هایی هستند که او قدرت می‌یابد درصدد جستجوی هویت و توانایی برای گذران زندگی، برآید. در واقع در سالروز تولد پانزده سالگی‌ام باید به استیان می‌گفتم: "من در آتش هستم، پالایشگرهای این آتش کجا هستند؟" من پدر و مادر و آموزگارانی را به مبارزه دعوت کرده بودم. به آنها گفته بودم: "مرا به حال خود وامگذارید، مرد شدن را به من بیاموزید."

من با کلمات آشنا نبودم. اغلب پسرهایی هم که من و شما آنها را می‌شناسیم و دوستان داریم این کلمات را نمی‌شناسند. از این رو من و شما که به پسرانمان علاقه‌مندیم دور هم جمع می‌شویم تا کلمات مورد نیازشان را برای

آنها تدارک ببینیم و راهی پیدا کنیم و پیش رویشان قرار دهیم. ما دور هم جمع می‌شویم تا به آنها کمک کنیم آتش خود را پالایش کنند. نوشتن کتاب حاضر جز این دلیلی ندارد.

من سهم بزرگی از زندگی شغلی و حرفه‌ای‌ام را صرف مطالعه درباره پسرها و مردها کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که اگر والدین، مدرسین و مربیان، پسرانشان را پالایش نکنند، جسم، روح، روان، احساسات، عواطف، معنویات و زندگی اجتماعی تمام مردان جوان در شعله‌های آتش خواهد سوخت. بعضی از این شعله‌ها را در مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رفتارهای خلاف قانون، آدم‌کشی و بزهکاری، مصرف مواد استروئیدی، اعتیاد به رسانه‌ها، ناتوانی در یادگیری، اختلالات مغزی و مشغله ذهنی درباره دخترها شاهد هستیم. موارد دیگری هم هستند که به این راحتی دیده نمی‌شوند و به دید عمیق‌تری نیاز دارند. این شعله‌ها در دوران میانسالی مردها، خودشان را نشان می‌دهند و این زمانی است که شعله‌های آتش بی‌آنکه آنها متوجه باشند بخشی از وجود آنها را بلعیده است.

با آنکه سال‌های نوجوانی بسیار مهم و تعیین‌کننده هستند، ما به عنوان والدین و مسؤولان مراقبت از آنها کمترین توجه را به آنها می‌کنیم. درباره آنها کتاب‌های کمتری می‌نویسیم، مقالات کمی به چاپ می‌رسند. و برنامه‌های تلویزیونی کمتری ساخته می‌شود. اصولاً ما درباره دوران طفولیت و شیرخوارگی پسرها، دوران میانسالی و دوران پیری آنها، علم و اطلاع بیشتری داریم.

همان‌طور که در فصل نخست این کتاب توضیح داده‌ام این بی‌دقتی باعث شده که پسرهای نوجوان به بی‌هویت‌ترین اقشار جمعیت ما بدل گردند. شرایط آنها به مراتب از زمانی که من و شما نوجوان بودیم بدتر است. لذا موقعیت پسران نوجوان بسیار حساس‌تر است.

پسران نوجوان امروزی در مقایسه با دوران نوجوانی ما به خود و به دیگران

بیشتر لطمه می‌زنند. در مقایسه با یک نسل قبل به پسرهای نوجوان امروزی کمتر توجه می‌شود. و سوسه‌های فرهنگی افزایش و آداب درست‌کاری و روش‌های محترم بودن کاهش یافته‌اند. در حالی که نوجوانان امروز در مقایسه با دوران کودکی ما، الگوهای بیشتر و متنوع‌تری دارند، تنها معدودی به آنها توجه می‌کنند. توجه به سکس و فعالیت جنسی بیش از هر زمانی نوجوانان ما را در بر گرفته است و با این حال پسرها هرگز در زمینه‌های جنسی راهنمایی نمی‌شوند. ساختارهای اجتماعی که پسران را به زندگی شرافتمندانه فرا می‌خواند، کم‌کم از بین می‌روند و به پسرهای نوجوان احساس و وظیفه، دانستن هدف و معنا در زندگی آموزش داده نمی‌شود. نظام خانواده و اجتماع، جای خود را به پیام‌های مبهم فرهنگی که از سوی شخصیت‌های رسانه‌ای فرستاده می‌شوند، داده‌اند، به همین دلیل دیگر پسرها رابطه صمیمانه‌ای با آنها برقرار نمی‌کنند. آنها تمنیات خود را با جامعه در میان می‌گذارند، اما اغلب به شکلی که لازم است، مورد مهر و عشق واقع نمی‌شود.

سطح بعدی

به دلایل متعددی، فرهنگ کنونی ما باید به مسأله پسرهای نوجوان و تکامل آنها، بپردازد. عکس روی جلد شماره پائیز مجله نیوزویک در سال ۱۹۹۷، یکی از همین قبیل مشکلات را به خوبی نمایان می‌سازد. عکس متعلق به دختر بچه‌ای شش یا هفت ساله با موهایی بور بود که با چشمانی پر فروغ به مکعب قرمز و سفیدی که محکم در دست داشت، می‌نگریست. عنوان عکس این بود: کودکانی که قادر به یادگیری نیستند. و در ادامه این سؤال مطرح شده بود: چه عواملی موجب اختلال در یادگیری می‌شوند و چگونه می‌توانید در این زمینه به کودک خود کمک کنید؟ عکس بسیار تأثیرگذار بود و احساسات میلیون‌ها خواننده را به طرز خاصی برانگیخت. اعتراف می‌کنم که وقتی آن را دیدم، با تمام وجود برای دخترانم احساس نگرانی کردم. هنوز هم هرگاه به آن عکس

نگاه می‌کنم، عمیقاً متأثر می‌شوم.

مسئله‌ای در این تصویر عجیب می‌نماید تصویری از یک دختر است. در حالی که اکثریت کودکانی که دچار ناتوانی یادگیری هستند، را پسرها تشکیل می‌دهند؛ آمار تخمینی نشان می‌دهد که $\frac{2}{3}$ کودکانی که در مدارس استثنایی درس می‌خوانند، پسرها هستند. زمانی که آموزگار وارد کلاس کودکانی که دچار اختلال در یادگیری هستند، می‌شود، می‌بیند که بیشتر دانش‌آموزان این کلاس، پسرها هستند. با این حال روی جلد، عکس یک دختر بچه معلول به چاپ می‌رسد، زیرا این تصویری است که احساس همدلی بیشتری را برانگیخته و در نتیجه توجهات زیادتری را به سوی خود جلب می‌کند. به تصویر کشیدن آسیب‌پذیری و معلولیت یک پسر، چه اندازه دشوارتر است؟ به خصوص پسران نوجوان؛ حتی در برخی موارد، پسرها در موقعیت‌های اندوه‌بارتری قرار می‌گیرند و به کمک بیشتری نیاز دارند.

روی جلد مجله نیوزویک احتمالاً اشاره‌ای به نسبت آمار مشکلات یادگیری در دخترها و پسرها ندارد و مقایسه‌ای هم در این خصوص به دست نمی‌دهد. اما اشاره به موضوعی دارد که ما در این کتاب به تفصیل درباره‌اش بحث می‌کنیم. اینکه جامعه و تمدن ما به شکنندگی فرزندان مذکرش توجه ندارد. همان شکنندگی که من هم در دوران نوجوانی خود داشتم و جامعه و اطرافیان آن را درک نکرده و نسبت به آن بی‌توجه بودند. همین شکنندگی است که پسران نوجوان ما اکنون با رفتارهای غریب خود از ما طلب می‌کنند. در این کتاب به این موضوع می‌پردازیم. و به این که هر کدام از ما در این خصوص چه می‌توانیم بکنیم.

طبیعت و مراقبت

فرهنگ و بیولوژی پسران نوجوان

درک رشد پسر نوجوان به عمیق‌ترین شکل ممکن، بستگی زیاد به درک

بیولوژی وی دارد. نوجوانی دوره یک تغییر فیزیولوژیکی شدید است. مغز و ترشح هورمون‌های جنسی و فیزیولوژیایی در دهه دوم زندگی پسرها شکل پدیده‌ای دارد. در این کتاب به رشد طبیعت نوجوان در خانه، مدرسه و یا حتی در خیابان توجه کرده‌ایم. برخی از مطالبی که در این کتاب می‌خوانید اسباب حیرت شما را فراهم خواهد ساخت. هرگز در گذشته تا این اندازه درباره رفتار پسرها مطلب نخوانده‌اید.

روش من در بررسی‌های بیولوژیکی و عصب‌شناسی از سبک و سیاق خاصی برخوردار است. وقتی مطلبی را در زمینه بیولوژی کشف می‌کنم تا زمانی که درباره علت ایجاد آن تحقیق نکنم و از کاربرد آن نه تنها در آمریکا، بلکه در سایر نقاط جهان مطمئن نشوم، و صحت آن از طریق تجربیات شخصی و حرفه‌ای که در زمینه پسران نوجوان داشته‌ام بر من ثابت نشود، آن را به عنوان یک واقعیت نمی‌پذیرم. با استفاده از این روش سعی می‌کنم دانش پزشکی، روانشناسی، انسان‌شناسی و مشاهدات شخصی را در کنار هم مورد استفاده قرار بدهم.

به همان جدیت که به بررسی موضوعات بیولوژیکی می‌پردازیم، درباره فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی (شاخه فرهنگ‌هایی) که پسرها در شرایط آن زندگی می‌کنند نیز بحث خواهیم کرد. از بازی‌های ویدئویی تا نوع لباسی که می‌پوشند، از دوستان هم سن تا فیلم‌های سینمایی که تماشا می‌کنند، همه و همه مد نظر ما قرار می‌گیرند و هیچ جنبه فرهنگی مربوط به پسران نوجوان را نادیده نمی‌گذاریم.

با استفاده از دانشی که درباره طبیعت و مراقبت از پسرهای نوجوان در اختیار داریم سعی می‌کنیم به سؤالاتی از این قبیل جواب بدهیم:

- یک مادر چگونه برای پسران نوجوان خود، محدودیت‌هایی ایجاد

می‌کند؟

- چه زمانی را برای مرد شدن پسرهای نوجوان در نظر می‌گیریم؟

- چگونه به آنها می‌آموزیم تا افراد بالغ متعهدی باشند؟
 - اگر پسر نوجوان من ورزش را دوست نداشت، چه باید بکنم؟
 - عزت‌نفس پسر نوجوانم چگونه شکل می‌گیرد؟
 - بازیهای ویدیویی، برنامه‌های تلویزیونی و اینترنت چه تأثیری بر پسران من می‌گذارد؟

- چرا پسر نوجوانم دوست ندارد با من حرف بزند؟ یا برعکس چرا پسر نوجوانم این همه حرف می‌زند؟

- میان پسر نوجوانم و پدرش چه می‌گذرد؟

به این توجه می‌کنیم که ساختار عاطفی پسر نوجوان چگونه رشد می‌کند، وی از چه راه‌هایی خود را با گروه‌های اجتماعی انطباق می‌دهد، چگونه می‌توان محبت کردن را به او آموخت؛ با تغییرات احساس امنیت عاطفی او در سطح خانواده چگونه روبه‌رو شویم؛ چه باید بکنیم که او به موجودی پر محبت، دوست‌داشتنی و مسئول تبدیل شود. برخی از بهترین علم و اطلاعات من درباره پسرهای نوجوان از ابداعات و نوآوری‌های خانواده‌های آنها حاصل شده است. در این کتاب به بسیاری از این اشخاص اشاره کرده‌ایم. با سنت‌ها و فرهنگ‌های سایر اقوام هم آشنا می‌شویم. من در هند، ترکیه، آلمان و بسیاری از نقاط دیگر شاهد بزرگ شدن پسران بوده‌ام و به این تجربیات شخصی مطالعه درباره بیست فرهنگ دیگر را هم افزوده‌ام. ما می‌توانیم بدون آرمان‌سازی درباره هر یک از این فرهنگ‌ها، اطلاعات جامعی درباره رشد پسرهایمان در بچوبه چالش‌های روزمره نوجوانان به دست آوریم.

یک فرصت منحصر به فرد

یکی از بزرگترین درس‌هایی که مشاوره، تجربه شخصی و مطالعاتم به من آموخته‌اند این است که ما به عنوان والدین، مربی و آموزگار جوانان، در موقعیت منحصر به فردی از تاریخ انسانی قرار گرفته‌ایم. نه پنجاه سال قبل و نه

پانصد سال قبل نوجوانان فرصتی را که امروزه با آن روبه‌رو هستند، تجربه نکرده‌اند.

در یکصد سال گذشته و به خصوص در سی سال گذشته آموخته‌ایم که زندگی و نقش‌های دختران نوجوانمان را مورد ارزیابی مجدد قرار بدهیم. من امیدوار هستم در حالی که این کتاب را می‌خوانید به اتفاق من به ارزیابی مجدد پسران نوجوانمان بنشینید. همچنین امیدوارم به این نتیجه برسید که هر جا ما آینده پسرها و دخترهایمان را با هم مقایسه می‌کنیم، از میزان انتظارات و توقعات خود می‌کاهیم. در هر کاری که می‌کنیم باید از رودررو قرار دادن دخترها با پسرها، و زن‌ها با مردها اجتناب کنیم.

وقتی به ارزیابی پسرهای نوجوان می‌نشینیم، وقتی درباره خانواده و مدارس حرف می‌زنیم، وقتی به موضوع توجه و مراقبت از مردان جوان خود می‌پردازیم، هدیه عشق را برای پسرهای نوجوانمان آماده کرده‌ایم: اجازه پیدا کردن یک مرکز معنوی، احساسی و اخلاقی تا به کمک آن در چرخه زندگی حضور یابند. امیدوارم وقتی پسران سوار دوچرخه‌اش حرکت می‌کند، در کلاس درس نشسته است یا با کامپیوترش بازی می‌کند و یا سرگرم تماشای تلویزیون است یا با شما سر میز غذا می‌خورد به این فکر نکند آیا می‌تواند به یک جوان خوب تبدیل شود؟